

جدول ۱- رشد سالانه میانگین درآمد سرانه حقیقی، در زمینه توسعه انسانی،
۱۹۶۰-۱۹۹۳

(به درصد)

کشورها یا گروه کشورها	۱۹۶۰- ۱۹۷۰	۱۹۷۰- ۱۹۸۰	۱۹۸۰- ۱۹۹۳
توسعه انسانی بالا	۴/۳	۲/۸	۱/۵
بدون کشورهای صنعتی	۳/۹	۳/۷	۲/۵
توسعه انسانی متوسط (بدون چین)	۲/۵	۴/۱	۱/۱
چین	۱/۸	۹/۱	۸/۱
توسعه انسانی ضعیف (بدون هند)	۱/۵	۰/۷	۰/۲
هند	۱/۶	۰/۸	۳/۱

جدول ۲- رشد سالانه میانگین درآمد سرانه حقیقی بر حسب منطقه، ۱۹۶۰-۱۹۹۳
(به درصد)

منطقه یا گروه کشورها	۱۹۶۰- ۱۹۷۰	۱۹۷۰- ۱۹۸۰	۱۹۸۰- ۱۹۹۰	۱۹۹۰- ۱۹۹۳
جهان	۲/۶	۲/۸	۳/۰	۲/۴
کشورهای صنعتی	۴/۶	۲/۹	۱/۹	-۳/۱
سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD	۴/۳	۲/۶	۲/۰	۱/۰
اروپای شرقی و جامعه کشورهای مشترک المنافع	۵/۲	۵/۲	۱/۳	-۱۱/۵
کشورهای در حال توسعه	۲/۰	۲/۸	۳/۵	۴/۳
کشورهای عربی	۲/۰	۳/۶	-۰/۸	-۱/۳
آسیای شرقی	۲/۰	۴/۳	۷/۲	۱۰/۶
آمریکای لاتین و کارائیب	۲/۹	۳/۷	-۰/۷	۱/۰

توزیع درآمد در جهان

متن زیر برگرفته از گزارش
جهانی درباره توسعه انسانی است که
برنامه توسعه سازمان ملل
در سال ۱۹۹۶ منتشر کرده است.

● برگردان:
دکتر محمد حسن فطرس
گروه اقتصاد - دانشگاه بوعلی سینا

رشد درآمد سرانه: چشم انداز
منطقه‌ای

در فاصله ۱۹۶۰ و ۱۹۹۳، درآمد جهان از ۴۰۰۰ به ۲۳۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است و درآمد سرانه در سطح جهانی بیش از سه برابر شده است. در همین دوره رشد درآمد سرانه گروه کشورهای در حال توسعه ۳/۵٪ در سال بوده است. با وجود این، در میان مناطق در حال توسعه، آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی بسیار جلوتر از بقیه بوده اند در حالی که

۱/۲	۳/۳	۰/۷	۱/۸	آسیای جنوبی
۴/۱	۲/۸	۴/۱	۲/۱	آسیای جنوب شرقی و پاسیفیک
-۱/۲	-۱/۰	۰/۹	۱/۴	آفریقای جنوب صحرا
-۱/۰	-۰/۱	-۰/۱	۰/۸	کشورهای کم توسعه یافته

جدول ۳- پیشرفتهای جهانی و منطقه‌ای در شاخص توسعه انسانی، ۱۹۹۳-۱۹۶۰

ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	
۱۹۹۳	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۰/۷۴۶	۰/۵۱۸	۰/۴۵۹	۰/۳۹۲	جهان
۰/۹۰۹	۰/۸۸۹	۰/۸۵۹	۰/۷۹۸	کشورهای صنعتی
۰/۹۱۰	۰/۸۹۰	۰/۸۶۲	۰/۸۰۲	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD
۰/۷۷۳	۰/۸۳۸	۰/۷۰۵	۰/۶۲۵	اروپای شرقی و کشورهای مستقل مشترک المنافع
۰/۵۶۳	۰/۴۲۸	۰/۳۴۷	۰/۲۶۰	کشورهای درحال توسعه
۰/۶۳۳	۰/۴۱۰	۰/۲۹۵	۰/۲۲۸	کشورهای عربی
۰/۶۳۳	۰/۴۸۴	۰/۳۷۹	۰/۲۵۵	آسیای شرقی
۰/۸۲۴	۰/۶۷۹	۰/۵۶۶	۰/۴۶۵	آمریکای لاتین و کارائیب
۰/۴۴۴	۰/۲۹۸	۰/۲۵۴	۰/۲۰۶	آسیای جنوبی
۰/۶۴۶	۰/۴۶۹	۰/۳۷۲	۰/۲۸۴	آسیای جنوب شرقی و پاسیفیک
۰/۳۷۹	۰/۳۱۲	۰/۲۵۷	۰/۲۰۱	آفریقای جنوب صحرا
۰/۳۳۱	۰/۲۴۵	۰/۲۰۵	۰/۱۶۱	کشورهای کم توسعه یافته

جدول ۴- تحول شاخص توسعه انسانی برحسب طبقات توسعه انسانی، ۱۹۹۳-۱۹۶۰

ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	ش.ت.ا.	طبقه
۱۹۹۳	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۰/۹۰۱	۰/۸۹۰	۰/۸۶۷	۰/۸۵۶	توسعه انسانی بالا
۰/۶۴۷	۰/۶۵۳	۰/۵۸۹	۰/۶۵۹	توسعه انسانی متوسط
۰/۳۹۶	۰/۳۷۵	۰/۳۱۳	۰/۲۴۷	توسعه انسانی ضعیف

بزهکاری مرتبط با مواد مخدر ۲۰۰ نفر برای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر است. بالاخره، نظامهای درمانی و تأمین اجتماعی کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه زیر فشارهای شدید مالی و همچنین سیاسی ناشی از پیرشدن جمعیت است.

برقرار نیست. در این کشورها، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر زیر خط فقر رسمی قرار دارند و در برخی از کشورها این تعداد حتی درحال افزایش است مثل ایالات متحده و انگلستان. در این گروه، نزدیک به ۳۰ میلیون بیکار و بیش از ۵ میلیون بدون سرپناه به سر می‌برند. میزان

آسیای جنوبی به زحمت قافله را دنبال کرده است. وضع در آفریقای جنوب صحرا خطرناک است که از آغاز دهه هشتاد درآمد سرانه آن پیوسته کاهش یافته است.

چه مقدار جمعیت در کشورهای زندگی می‌کنند که نرخ رشد درآمد سرانه آنها رضایت بخش است؟ بر مبنای نرخ رشد درآمد سرانه ۳٪ در سال (دو برابر شدن درآمد طی یک نسل)، نسبت جهانی زنان و مردانی که بین دوره‌های ۱۹۸۰-۱۹۶۵ و ۱۹۹۳-۱۹۸۰ از نرخ رشد درآمد رضایت بخشی برخوردار بوده‌اند از ۵۴٪ به ۳۷٪ کاهش یافته است. نسبت افرادی که در کشورهای زندگی می‌کنند که دارای رشد سالانه بیشتر از ۵٪ است بیش از دو برابر شده است (از ۱۲٪ به ۲۷٪). اما نسبت جمعیت جهان که شاهد نرخ رشد منفی بوده بیش از سه برابر شده، یعنی از ۶٪ به ۱۸٪ رسیده است. قطعی شدن (polarization) انکارناپذیر است.

این پدیده در کشورهایی که درآمد رو به کاهشی دارند باز هم فاحش‌تر است. در طول دوره‌های ۱۹۸۰-۱۹۶۵ و ۱۹۹۳-۱۹۸۰ ساکنان کشورهای با نرخ رشد منفی، از ۲۰۰ میلیون نفر به قریب یک میلیارد نفر رسیده است. از این گروه ۷۰ کشوری، ۲۷ کشور جزء کشورهای کم توسعه یافته‌اند.

سه چهارم از کشورهای این طبقه - با بیش از ۴۰۰ میلیون نفر از جمعیت ۵۵۰ میلیونی - طی سالهای دهه هشتاد نرخ رشد منفی [درآمد] داشته‌اند؛ بدینسان که میانگین درآمد سرانه آنها از ۲۲۹ دلار (به ارزش سال ۱۹۹۳) در سال ۱۹۸۰ به ۲۱۰ دلار در سال ۱۹۹۳ فرو افتاده است. از ۴۸ کشور گروه کشورهای کم توسعه یافته، ۳۹ کشور در طبقه توسعه انسانی ضعیف قرار دارند. میانگین شاخص توسعه انسانی* آنها ۰/۳۳۱ بوده که حتی مقدار آن به سه پنجم این شاخص برای مجموعه جهان درحال توسعه (۰/۵۶۳) هم نمی‌رسد.

در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه هم با وجود میانگین درآمد سرانه ۲۰۰۰۰ دلار، وضع کاملاً رضایت بخشی

سطح جهانی و خواه در سطح ملی مورد نظر قرار گیرد، مانع بزرگی در حفظ رشد پایدار اقتصادی و نیز توسعه انسانی است. عدالت در درون نسلهها به همان اندازه مهم است که عدالت بین نسلهها.

توزیع درآمد در سطح ملی

از مقایسه میانگین درآمد سرانه در سطح ملی با درآمد سرانه فقیرترین مردمان همان کشور، کنارگینی (Marginalization) گروه‌های اخیر باحدت بیشتری آشکار می‌شود. این کنارگینی در برزیل، ایالات متحده، گواتمالا و گینه بیسائو بسیار شدید است؛ در بنگلادش، مجارستان، اندونزی، ژاپن و نپال کمتر است.

درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین مردمان ایالات متحده کمتر از یک چهارم میانگین

روشی مؤثر برای مقایسه درآمدها در سطح بین‌المللی عبارت از بررسی ۲۰٪ فقیرترین بخش جمعیت هر کشور است. میانگین درآمد سرانه ژاپن ۳۶ برابر میانگین درآمد سرانه تانزانیا است، اما درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین بخش جمعیت ژاپن ۱۳۰ برابر همان گروه در تانزانیا می‌باشد.

عدم تعادل اخیر را می‌توان به صورتی شخصی‌تر بیان کرد. درحال حاضر، ثروت ۳۵۸ نفر از ثروتمندترین‌ها (میلیاردرها) معادل کل درآمد ۴۵٪ از فقیرترین مردمان جهان یعنی ۳/۳ میلیارد نفر است. البته چنین مقایسه‌ای بین دارایی و درآمد صورت می‌گیرد. اما اگر مقایسه بین دارایی‌ها امکان می‌داشت موضوع خیلی متأثرکننده‌تر می‌بود. در واقع، دارایی فقرا معمولاً خیلی کمتر از درآمد آنهاست.

نابرابری‌های فزاینده درآمدی، خواه در

در اغلب کشورهای اروپای شرقی و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع رشد کند شده است و این درحالی است که درآمد سرانه آنها در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ سالانه ۵٪ رشد داشته است. در پایان این دوره آهنگ رشد به ۱/۳٪ سقوط کرده است. در پی تغییرات سیاسی - اقتصادی اواخر دهه هشتاد، درآمد سرانه آنها در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ سالانه ۱۱٪ کاهش یافته و در همان حال کل تولید ناخالص داخلی آنها به یک سوم تقلیل یافته است. چنین فرسایش چشمگیری در قدرت خرید مردم اروپای شرقی و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به پیشرفت‌های قبلی در توسعه انسانی آنها صدمه زده است.

توزیع درآمد در سطح بین‌المللی

کشورهای صنعتی عمده‌ترین بخش تولید جهانی را تأمین می‌کنند. از ۲۳۰۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۱۹۹۳، حدود ۱۸۰۰۰ میلیارد دلار آن از کشورهای اخیر سرچشمه گرفته است. در مقابل، فقط ۵۰۰۰ میلیارد دلار آن نصیب کشورهای درحال توسعه‌ای است که عملاً ۸۰٪ جمعیت جهان در آنجا می‌زیند.

در خلال سه دهه اخیر رشد درآمد جهانی به صورتی بسیار نابرابر توزیع گردیده و اختلاف آن درحال حاضر وخیم‌تر شده است. به عنوان نمونه، سهم نسبی ۲۰٪ غنی‌ترین را با ۲۰٪ فقیرترین مقایسه کنیم. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۱، سهم گروه نخست از ۷۰٪ به ۸۵٪ رسیده درحالی که سهم گروه دوم از ۲/۳٪ به ۱/۴٪ تنزل کرده است. نسبت درآمد ۲۰٪ غنی‌ترین به ۲۰٪ فقیرترین که در ابتدا ۳۰ به یک بود به ۶۱ به یک رسیده است. به استثنای یک پنجم غنی‌ترین، سهم درآمدی بقیه کشورهای جهان کاهش یافته است به نحوی که در سال ۱۹۹۱ بیش از ۸۵٪ جمعیت جهان فقط از ۱۵٪ کل درآمد جهان برخوردار بوده است. این موضوع تأییدی مجدد از جهانی است که شدیداً قطبی شده است.

جدول ۵ - میانگین درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین افراد، ۱۹۹۳

(برابری قدرت خرید)

کشور	میانگین درآمد سرانه	درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین جمعیت
ایالات متحده	۲۴۲۴۰	۵۸۱۴
ژاپن	۲۰۸۵۰	۹۰۷۰
هلند	۱۷۳۳۰	۷۱۰۵
انگلستان	۱۷۲۱۰	۳۹۵۸
جمهوری کُره	۹۶۳۰	۳۵۶۳
شیلی	۸۴۰۰	۱۳۸۶
مجارستان	۶۰۵۰	۳۲۹۷
برزیل	۵۳۷۰	۵۶۴
گواتمالا	۳۳۵۰	۳۵۲
اندونزی	۳۱۵۰	۱۳۷۰
نیجریه	۱۴۰۰	۳۵۷
هند	۱۲۲۰	۵۳۷
بنگلادش	۱۲۹۰	۶۱۳
نپال	۱۰۲۰	۴۶۴
گینه بیسائو	۸۴۰	۸۸
تانزانیا	۵۸۰	۷۰

منبع: BASU, 1995.

«شاخص توسعه انسانی» شاخص مرکبی است مشتمل بر سه عنصر: الف) طول عمر که برحسب امید به زندگی در بدو تولد اندازه گیری می شود؛ ب) سطح آموزش که برحسب سنجش ای که از ترکیب دوسوم نرخ باسوادی بزرگسالان و یک سوم نرخ ناخالص محصلان در تمامی سطوح تحصیلی به دست می آید؛ و ج) سطح زندگی که برحسب تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی (برحسب برابری قدرت خرید) محاسبه می شود. برای تعریف کامل این شاخص ن.ک.ب: گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰.

- آسیا. توزیع درآمدها در هنگ کنگ، هند، مالزی، سنگاپور و تایوان اکنون عادلانه تر است. توزیع در اندونزی و فیلیپین سیمای یکسانی را حفظ کرده است. به عکس، در بنگلادش و در تایلند وضع توزیع بدتر شده است.

- آمریکای لاتین. فقط در کلمبیا، کاستاریکا و اوروگوئه پیشرفتهایی به ثبت رسیده است. وضع توزیع در آرژانتین، بولیوی، برزیل، پرو و ونزوئلا نسبت به گذشته نابرابرتر شده است.

- اروپای شرقی و جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع. در اغلب کشورهای این منطقه، به ویژه در بلغارستان، کشورهای بالتیک، جمهوری چک و روسیه فقط طی پنج سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴، ضریب جینی از ۰/۲۵ به بیش از ۰/۳۰ رسیده است. (ضریب جینی صفر برابری کامل توزیع درآمد بین همه افراد دلالت دارد؛ و ضریب یک به معنای آن است که تنها یک نفر همه درآمد را تصاحب می کند.)

- کشورهای صنعتی. حتی در این کشورها نیز توزیع درآمد متعادل نیست، هرچند عدم تعادلها از برجستگی کمتری برخوردار است. برخی اختلاف های عمده در استرالیا و بریتانیا مشاهده می شود، جایی که ۲۰٪ غنی ترین مردمان ده برابر ۲۰٪ فقیرترین افراد درآمد کسب می کنند. در ایالات متحده و سوئیس این نسبت نه می باشد.

آیا شاهد عمیق تر شدن شکاف درآمدی در کشورهای صنعتی هستیم؟ در اینجا نیز پاسخ یک کلمه نیست. بین دهه های ۶۰ و ۹۰ ضریب جینی درآمد در کانادا بهبود یافته و در ژاپن ثابت مانده است. معهذ، در انگلستان خیلی نابرابرتر شده است: ضریب جینی در آنجا از ۰/۲۵ به ۰/۳۲ رسیده است.

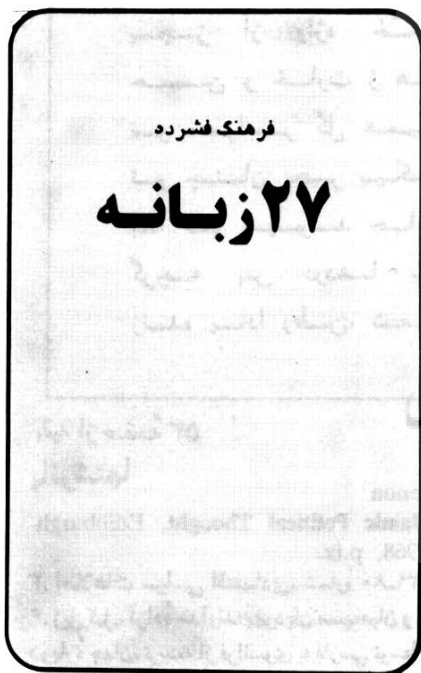
توزیع ثروت نیز نابرابر است. در سوئد، تنها ۱٪ خانوارها صاحب حدود ۲۰٪ ثروت ها هستند. در برخی کشورها، شکاف دارایی گرایش به افزایش دارد. در ایالات متحده طی ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰، سهم ثروت ۱٪ ثروتمندترین افراد از ۲۰٪ به ۳۶٪ رسیده است (...).

درآمد سرانه ملی است (این نسبت در ژاپن حدود نیم است). درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین مردمان گواتمالا تنها یک دهم میانگین درآمد سرانه ملی است، در حالی که در بنگلادش این مقدار عملاً نیم است. جالب است توجه کنیم که کنارگینی فقیرترین افراد ارتباط اندکی با درآمد ملی دارد. چنین است که در بنگلادش کمترین کنارگینی فقیرترین افراد را می توان به مثابه پدیده توزیع فقر توصیف کرد. در مقابل، در ژاپن، این موضوع به دلیل توزیع ثروت است.

در کشورهایی که نسبت میانگین درآمد ملی و درآمد ۲۰٪ فقیرترین مردمان ضعیف تر بوده، شاهد رشد سریع تر میانگین درآمد سرانه این بخش از جمعیت هم بوده اند (در بنگلادش، هند، اندونزی، ژاپن، هلند و جمهوری کره چنین حالتی وجود داشته است). در کشورهایی که این نسبت بالاتر بوده است - برزیل، شیلی، ایالات متحده، گواتمالا و انگلستان - رشد درآمد سرانه ۲۰٪ فقیرترین مردمان از رشد درآمد سرانه ملی کمتر بوده است.

در سریلانکا، ۲۰٪ غنی ترین مردمان فقط چهار برابر بیشتر از ۲۰٪ فقیرترین گروهها درآمد دارند و در اندونزی پنج برابر و در مراکش هفت برابر بیشتر دریافت می کنند. در کشورهای دیگر این اختلاف سرگیجه آور است؛ در گواتمالا و پاناما ۲۰٪ غنی ترین مردمان ۳۰ برابر بیشتر از فقیرترین افراد درآمد دارند و در برزیل این نسبت به ۳۲ برابر می رسد. به طور متوسط، ۲۰٪ فقیرترین مردمان جهان در حال توسعه حدود ۷٪ کل درآمد را دریافت می کنند. معهذ، ۲۰٪ فقیرترین گروههای جمعیت در آمریکای لاتین با سهمی برابر با ۳٪ از درآمد، نصیب باز هم کمتری دارند.

آیا این اختلاف گرایش به کاهش دارد یا به عکس به سوی بدتر شدن می رود؟ تحوّل توزیع درآمد در برخی مناطق در حال توسعه و در کشورهای صنعتی تصویری متباین ارائه می کند. داده های زیر مربوط به دوره ۱۹۹۰-۱۹۶۰ است:



فرهنگ فشرده ۲۷ زبانه

مؤلفین: فاضل ظهراب پور -

پیتر ام. برگمان

انتشارات سانیا

چاپ اول ۱۳۷۵ - قیمت ۱۳۰۰ تومان

گل آفتاب گردان

از تو يك لحظه رو نگردانم
من گل آفتاب گردانم
به امید تو زنده میمانم
نی ببریده از نیستانم
بی تو از خویش خویشانم
که همه عمر بسته آنم
نیست در کف بجز سر و جانم
جان اگر خواستی بیفشانم
پر شد از اشک شوق دامانم
چند روزی بخانه مهمانم
تافت بر خانه و شبستانم
عاشق فرّ و هنگ ایرانم
چشمه خضر و آب حیوانم
که بجز با تو زیست نتوانم
زانکه افسرده از زمستانم
من همان کودک بفرمانم
میدود از تو خون بشریانم
واژه خوشتری نمیدانم
بود آن خار و خس گلستانم
من یکی مرغک غزلخوانم
نیستم قطره، کمتر از آنم
نگسلد هیچگاه پیمانم
از تو باشد دوا و درمانم
گر کند خصم تیربارانم
توران شهریاری (بهرامی)

وطن، ای مهر گرم و تابانم
تویی آن آفتاب عالمتاب
با فروغ تو زندگی کردم
دور از آغوش گرم و پر مهرت
چشم جان و دلم بجانب تست
مهرت آنگونه پای بندم کرد
نیست در جان و دل بجز مهرت
سر اگر خواستی ببازم سر
تا زخم بوسه خاک پاک تو را
صاحب خانه ام تو هستی، من
تیره شبها فروغ اشراقت
مهد فرهنگ و فر تویی، من نیز
شعر و عرفان جاودانه تست
ریشه آنگونه در تو افکندم
بر من ای مهر گرمتاب، بتاب
تو مرا همچو مام دلسوزی
دل بیادت درون سینه طهد
بجز از واژه خدا و وطن
حسن و خارت ز هرگلی برتر
تو سراسر گل همیشه بهار
تو چنان بحر بیکرانی و من
با تو پیوند جاودان بستم
گرچه پس دردها به دل دارم
زنده بادا وطن، شعار منست

بقیه از صفحه ۵۳

پانوشتها

۱۲. به نقل از لاریجانی، دکتر محمد جواد، نظم بازی گونه، بحثی در تحولات جهانی معاصر، انتشارات اطلاعات، تهران - ۱۳۷۱.

۱۳. Pedro Brieger نویسنده کتابهای

- The Middle East and the Gulf War

- The Last Days of the USSR

در سال ۱۹۹۱ می باشد.

14. Dual Containment.

15. Esposito, J., *The Islamic Threat: Myth or Reality*, New York, Oxford University Press, 1992, p.4.

16. Ibid.

17. Piscatori, J., *International Relations of the Asian States*, University Press of America, 1986, p.1.

18. *Islam, Muslims and the Modern State*, (Ed)/by Mutalib, H. and Hashmi, T., St. Martin's Press, the article of Syrus Bina.

۱۹. از سخنان Oliver Roy مؤسسه صلح آمریکا (U. S. Institute of Peace) در سال ۱۹۹۳ - به نقل از مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره يك، ۱۳۷۲ - ص ۲۸۵.

20. Esposito, op cit, p.p. 182-183.

21. Esposito, op cit, p.p. 52-3.

22. *Islam, Muslims and...*, op cit, p.p. 234-5.

1. cyclical phenomenon

2. Watt, W.M. *Islamic Political Thought*, Edinburgh University Press, 1968, p.ix.

۳. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۸۰-۷۹، ص ۳۶.

۴. ذیل کهل، اراده خداوند؛ یهودیان مسیحیان و مسلمانان در راه تسخیر دوباره جهان، ترجمه از فرانسوی به فارسی توسط دکتر عباس آگاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۱.

5. Haynes, J., *Religion in Third World Politics*, Open University Press, Buckingham, Philadelphia, 1993, p.4.

6. Halliday, F., «The Iranian revolution and its indications», *New Left Review*, (Nov/Dec 87).

7. Piscatori, J. (ed), *Islam in the Political Process*, Cambridge, Cambridge University Press, 1983, p.3-4.

8. «Making Islam the New Enemy of the West», by Pedro Brieger, *Payam Mails*, 2 Jan 95.

9. «Istanbul Turns to Islam for Welfare, to Europe for Rays of Democracy», *The Observer*, 20 March 94.

10. *New York Times*, 28 January 92.

11. Haynes, J., op cit, p.3.